



کارگران و زحمت کشان از فراخوان ۱۰ اسفند معلمان حمایت کنید



صادق کار

اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق، به طور غیر قانونی ۱۷ کارگر را در آستانه‌ی نوروز اخراج کرد نگرفت و از او نرسید طبق کدام قانون اعتراض به ندادن دستمزد توسط کارگر جرم و خلاف قانون است!

تو گویی از نظر دولت مدعی قانون که چپ و راست دولت پیشین را به خاطر نقص قانون محکوم می‌کند، قانون شامل حال کارگر نمی‌شود و کارگر جزء ملت نیست و ملت فقط آن‌هایی را شامل می‌شود که حامی دولت هستند و کسانی که معترض رفتار دولت باشند نه جز ملت‌اند، نه حق و حقوقی دارند و نه دولت وظیفه‌ای در قبال آنان دارد که به آن پای‌بندی نشان دهد.

هیچ مقام دولتی حاضر نشد بگوید، چرا کارگران صنایع بزرگ که تولید در آن‌ها به شکل مستمر است، باید قراردادی کار کنند! ده‌ها اعتراض و تجمع کارگری به خاطر تعویق در پرداخت حقوق‌ها، در ایام خرید عید حتی باعث یک واکنش ناقابل مسئولین نشد.

از بدبختی کارگران، بخش بزرگی از اپوزوسیون غیر چپ رژیم، از لیبرال و جمهوری‌خواه گرفته تا اصلاح‌طلبان وفادار به دولت، و سازمان‌های طرف‌دار حقوق بشر، هیچ‌کدام واکنش درخوری از خود، نسبت به نقض فاحش حقوق کارگر و مبارزه‌ی حادی که بر سر معیشت و حق و حقوق کارگر،

در آستانه‌ی نوروز، در حالی که مشکل تامین معیشت به بزرگ‌ترین دغدغه‌ی اکثریت قریب به اتفاق مزدبگیران و بیکاران و سایر تهی‌دستان شهر و روستا تبدیل شده و موج فزاینده‌ای از اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه وضع موجود و با تقاضای افزایش دستمزد و عدم پرداخت به موقع دستمزدها، سراسر کشور را در بر گرفته، پاسخ عمومی حکومت و کارفرمایان به این اعتراضات از هر لحاظ قانونی و حق‌طلبانه هم‌چنان فریب، تهدید، اخراج و زندان معترضین و امتناع تا سر حد ممکن از تن دادن به بدیهی‌ترین مطالبات مزدبگیران است و نزدیکی عید نیز سبب تغییری در این رویکردهای سرکوب‌گرانه نشده است.

در هفته‌ی گذشته در ادامه‌ی این رفتارهای سرکوب‌گرانه، به دنبال فراخوان قانون صنفی معلمان برای اعتراض علیه تبعیض و دستمزد و حقوق زیر خط فقر و دعوت به اعتصاب توسط عده‌ی دیگری از معلمان، سایت قانون صنفی معلمان توسط نهادهایی که صرفاً مسئولیت خودشان را نه رسیدگی به حقوق مردم، بلکه سرکوب و تنبیه هر نوع حق‌طلبی می‌دانند، فیلتر شد. هیچ مسئول دولتی به سراغ هزاران پرستار و کارگر که در دو روز جداگانه، اما با خواست مشترک افزایش دستمزد و حقوق، در مقابل مجلس تجمع کردند نرفت. هیچ‌یک از مسئولین وزارت کار و قوه‌ی قضائیه یقه‌ی کارفرمای معدن کوشک را که به خاطر



بین حکومت و کارفرمایان از یکسو و کارگران و مزد بگیران از سوی دیگر در جریان است، از خود بروز نمی‌دهند. هرچا که واکنشی در این ارتباط صورت گرفته و می‌گیرد، از سوی کسی جز خود مزدبگیران نبوده و نیست.

حتی در خود جنبش مزدبگیران نیز متاسفانه اعتراضات بر سر خواست مشترک و همگانی افزایش دستمزد، تاکنون به شکل منفرد و منفک از هم صورت می‌گرفت. و هنوز هم اگر از پاره‌ای اقدامات -مانند گردآوری طومار و تجمع‌هایی که اخیراً به صورت جمعی با خواست افزایش دستمزد و پاره‌ای مسایل صنفی دیگر توسط کارگران و تحت هدایت برخی تشکل‌های کارگری صورت گرفت- بگذریم اعتراضات همچنان به طور جداگانه انجام می‌گیرند.

پراکندگی اعتراضات بی‌تردید از کارایی آنها می‌کاهد و در حفظ موضع سرسختانه‌ی مشترک دولت و کارفرمایان اثر می‌گذارد. و به اعتبار اجتماعی جنبش مزدبگیران در جامعه نیز آسیب وارد می‌کند و مانع جدی گرفته شدن نقش جنبش مزدبگیران در تحولات دموکراتیک جامعه می‌شود.

یکی از دلایل عدم هماهنگی میان گروه‌های مزدبگیران یقیناً نبود اتحادیه‌های کارگری واقعی است که منجمله نقش حلقه‌های پیونددهنده‌ی کارگران و تشکل‌های مختلف کارگری را به عهده دارند. مادامی که اتحادیه‌های کارگری واقعی شکل نگرفته باشند، مسلماً هماهنگ کردن گروه‌های مختلف مزدبگیران حول یک خواست عمومی و مشترک به دشواری میسر می‌شود.

با این وصف، با نظرداشت وسعت اعتراضات کنونی کارگری و رشد چشم‌گیر آگاهی و انگیزه‌های مبارزاتی، در غیاب اتحادیه‌های واقعی نیز امکان ایجاد سازمانی مرکب از کمیته‌های اتحادیه‌ای صاحب نفوذ در میان کارگران که بتواند هم این‌گونه هماهنگی‌ها را به وجود آورد و هم نقش نیروی پیگیر اتحادیه‌ها را با استفاده از ظرفیت تشکل‌خواهی فزاینده در میان گروه‌های مختلف مزدبگیران، با پرهیز از هر نوع فرقه‌گرایی و انحصارطلبی و بهره‌گیری هوشیارانه از همه‌ی امکانات به عهده بگیرد وجود دارد.

اما فعلاً مقدم بر آن، فعالان و آگاهان می‌توانند برای سطوحی از هماهنگی‌های ممکنه و بسط تدریجی آن تلاش نمایند.

فراخوان قانون صنفی معلمان به اعتراض، به رغم آن‌که تنها معلمان را مورد خطاب قرار می‌دهد، اما گامی است در جهت ایجاد هماهنگی و بسیج نیرو حول خواسته‌های مشترک، به ویژه خواست افزایش دستمزد در میان یکی از گروه‌های بزرگ جنبش مزدبگیران.

مسئلاً دولت و حکومت سعی خواهند کرد مانع اجرای فراخوان قانون صنفی معلمان در دهم اسفند شوند، اما نظر به شرکت وسیع معلمان در اعتصاب دوروزه‌ی قبلی و انگیزه‌های نیرومند آنان برای رسیدن به مطالبات‌شان، معامنت از این اعتراضات توسط حکومت کار آسانی نیست.

حمایت هرچه گسترده‌تر از اعتراض دهم اسفند و از مطالبات حق‌طلبانه‌ی معلمان می‌تواند در کامیابی این حرکت اثر مثبت داشته باشد. تشکل‌های موجود، کارگری باید به هر شکل که می‌توانند در حد وسع‌شان از این حرکت معلمان حمایت کنند. کامیابی معلمان کامیابی همه‌ی مزدبگیران و شکست آنها شکست همه‌ی ما است.

روز دهم اسفند در عین حال آزمونی است برای نشان دادن عمق وفاداری همه‌ی مدعیان ایرانی دموکراسی و حقوق بشر.

از تجربه دیگران

اتحادیه‌های کارگری و دموکراسی در آمریکای لاتین - ه -

استیون لویتسکی و اسکات مینوارینگ

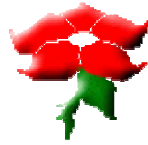
بخش سیاست‌های تطبیقی دپارتمان مطالعات دکترای علوم سیاسی
دانشگاه شهری نیویورک

ترجمه: گودرز

حمایت کارگران از رژیم‌های دموکراتیک و غیر دموکراتیک (ادامه)

بولیوی:

جنبش کارگری در بولیوی در چهار دهه از ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ گرایش ابزاری خود را به دموکراسی حفظ کرده بود. مرکز کارگران بولیوی (COB) از بدو تأسیس، از رژیم نیمه استبدادی که پس از انقلاب ۱۹۵۲ ظهور کرد، حمایت نمود. اما زمانی که جنبش ملی انقلابی (MNR) به میانه‌روی در دهه‌ی ۵۰ روی آورد، COB هم به سوی اپوزیسیون تمایل یافت. شاخه‌ی رادیکال جنبش کارگری سپس در جشن سرنگونی دولت منتخب ویکتور پاز استنسورو در کودتای نظامی ۱۹۶۴ مشارکت ورزید.



گرچه تشکل فرماندهی عمومی کارگران (CGT) در سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴ به پشتیبانی از دولت گولارت ادامه داد، اما طرح خواست‌های حداکثری و بسیج کارگری مقدمه‌ای بود که کودتای ۱۹۶۴ را کلید زد.

قسمت عمده‌ای از جنبش کارگری با رژیم نظامی سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ مخالفت کرد و یونیونیسم جدیدی که در پایان دهه‌ی ۱۹۷۰ به پیشگامی جنبش فراوید، نقش عمده‌ای در فشار برای تغییر به دموکراسی بازی کرد. علی‌رغم حضور تمایلات ایزاری مارکسیست‌ها، اتحاد مرکزی کارگران (CUT) و ائتلافش با حزب کارگر (PT) در سال‌های بعد از ۱۹۸۵ مستمراً دموکراتیک باقی ماندند.



راهپیمای مرکز کارگران بولیوی علیه یکی از اقدامات دولت مورالس

شیلی:

گرچه جنبش کارگری شیلی در تمام سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۳ تحت نفوذ مارکسیست‌ها، به گرایش‌های لیبرال دموکراسی وفادار ماند، اما متناوباً به مواضع اکثریت خواهانه‌ی خود در شرایط سیاسی پولاریزه‌ی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ می‌افزود. احزاب مارکسیست غالب در اتحاد مرکزی کارگران (CUT)، با وجود تعهدشان به قانون اساسی، در این دوران راه دگرگونی جامعه به سوسیالیسم را پی گرفتند. حزب سوسیالیست بر سر بازی انتخابات تقسیم شده بود. بخش رادیکال آن تغییر به سوسیالیسم از طریق انتخابات را رد می‌کرد و به سمت جنبش مسلحانه تمایل نشان می‌داد.

رهبران سوسیالیست اظهار می‌داشتند که مشارکت‌شان در حیات دموکراتیک کشور، «فقط درآمدی بر انحلال نهایی نظام است.» فشار چپ انقلابی با انتخاب رییس جمهور سوسیالیست سالوادور آلنده در ۱۹۷۰ افزایش یافت. بسیج نیروهای چپ و کارگری در دوران آلنده، حد بی‌سابقه‌ای از اعتصابات و اشغال کارخانه‌ها را شامل می‌شد. این بسیج به مثابه‌ی تهدید شدیدی علیه نخبگان اقتصادی و نظامی، که به بسیج متقابل و سرانجام به کودتای مرگ‌بار ۱۹۷۳ دست یازیدند، برداشت می‌شد.

جنبش کارگری با قدرت، با دیکتاتوری زمان پینوشه از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۹ مخالفت کرد و در اعتراضات ضد رژیم در دهه‌ی ۱۹۸۰ نقش عمده‌ای بازی کرد. با دگرگونی حزب سوسیالیست به یک نیروی سوسیال دموکرات، CUT نیز قاطعانه به عنوان یک نیروی مدافع دموکراسی برآمد نمود. هم‌زمان با دموکرات مسیحی‌ها و سوسیالیست‌ها تا ۱۹۹۶ و سپس تحت رهبری سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، CUT هم‌چنان گرایش و تمایلات میانه‌رو و دموکراتیک خود را حفظ نمود و در بسیج محدود با دولت‌های میانه‌ی متمایل به چپ همکاری کرد.

جنبش کارگری فعالانه با دیکتاتوری نظامی حاکم در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲ به مخالفت برخاست. اما رهبران اتحادیه‌ها همواره گرایش ایزاری به دموکراسی را حفظ نمودند. این کیفیت در حمایت آنان از دولت نظامی چپ‌گرای ژنرال خوان خوزه توررس در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۱ نمود یافت. این موضع ایزاری نسبت به دموکراسی در سال‌های بعد از ۱۹۸۲ و تغییر رژیم هم محفوظ ماند.

در سال‌های میانی دهه‌ی ۱۹۸۰ موضع غالب در COB نسبت به دموکراسی نیابتی، بیشتر نگاهی تنزیلی و ایزاری به آن بود و بیشتر رهبران اتحادیه به دموکراسی با نگاه وسیله‌ای برای رسیدن به دیکتاتوری پرولتری می‌نگریستند.

اتحادیه‌ها با همان شدتی که علیه دیکتاتوری‌های گذشته بسیج می‌شدند، در مقابل دولت دموکراتیک هرمان سیلس سواتزو هم در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ ایستادند و در حالی که دموکراسی لرزان حاکم زیر فشار شدید ناشی از تورم اقتصادی منهدم می‌شد، سران اتحادیه خواست‌های حداکثری خود را پیش کشیدند. هم از این‌رو بود که به دنبال صدمات ناشی از بسته شدن معادن بزرگ قلع در ۱۹۸۵، کارگران در دو دهه بعد از آن نتوانستند به بازیگر عمده‌ای تبدیل شوند.

برزیل:

بین سال ۱۹۴۶ و سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۹۶۰ جنبش کارگری برزیل، علی‌رغم نفوذ رهبران کمونیست، به طور ثابتی از رژیم‌های دموکرات حمایت کرد؛ شاید به این دلیل که بدیل احتمالی در مقابل دموکراسی موجود نبود که امید به منافع بیشتری را برای کارگران داشته باشد و دسترسی آنان را به قدرت تسهیل کند. اما بر زمینه‌ی شرایط پولاریزه‌ی آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ جنبش رادیکال‌تر شد.



کلمبیا:

روسپیان زن غالباً مورد سوءاستفاده قرار می گیرند. اما آنها اکنون در کار ایجاد تشکلی برای خودشان اند. یک گروه از آنان در «انجمن روسپیان فریدپور»، که در ناحیه‌ی فریدپور در نزدیکی داکا - پایتخت بنگلادش - قرار دارد، متشکل شده‌اند.

این تنها انجمن نیست که اکنون شکل گرفته است. این انجمن‌ها در صدد تشکیل اتحادیه‌ای برای روسپیان اند، تا از آنان حمایت کند و مانع از سوءاستفاده از آنان گردد. در این میان، محافظه‌کاران اسلام‌گرا علناً این زنان را محکوم می‌کنند. در سال ۲۰۱۰ اسلام‌گرایان افراطی یک روسپی‌خانه را به آتش کشیدند، دو زن را مجروح کردند و تمام ساکنان محله را در اضطراب مطلق به حال خود گذاشتند.

هاسینا، یکی از زنان ساکن محله، آن روز را به یاد می‌آورد: "همه چیزمان از بین رفته بود. مجبور شدیم خودمان را به رودخانه بزنیم. ما حتی لباسی برای پوشیدن نداشتیم و یک‌ماه‌ونیم تمام مجبور شدیم در خیابان‌ها به سر ببریم." در آن ماجرا کسی مورد تعقیب قرار نگرفت.

حضور انجمن‌های گفته شده، همراه با اکسیون‌های اعتراضی بی‌شماری که خواهان حقوق برابراند، اکنون در فضای اجتماعی بنگلادش دارد حس می‌شود. حداقل الان دیگر روسپیان حق یافته‌اند که به طرز مناسب، و البته در قطعه‌ای جداگانه، در گورستان دفن شوند.

کار البته به کندی پیش می‌رود. احیا بیگم، سی و هفت ساله، سرپرست انجمن روسپیان فریدپور، با افسوس می‌گوید: "جامعه ما را برای نیازهای انسانی‌اش مورد استفاده قرار می‌دهد، اما با ما مثل حیوان رفتار می‌کند."

* * * * *

آلمان:

افزایش ۴/۳ درصدی دستمزدها

اینداستری آل، ۲۴ فوریه ۲۰۱۵



اتحادیه‌ی فلزکاران آلمان، به دنبال تهدید به اعتصاب بیش از ۸۵۰ هزار کارگر در سراسر کشور، در توافقی با کارفرمایان این بخش، موفق به تأمین افزایش ۴/۳ درصدی دستمزد شد.

جنبش کارگری کلمبیا با خصوصیت حضور ضعیف در سیاست ملی، چنددستگی سازمانی و عدم وجود ارتباط حزبی سیاسی غالب، از دیگران متمایز می‌شود. بر چنین زمینه‌ی عینی‌ای، بخش عمده‌ی جنبش کارگری کلمبیا، از ۱۹۴۵ تا کنون از دموکراسی حمایت کرده است. بیشتر رهبران جنبش با دیکتاتوری گوستاو روخاس پینلا (۱۹۵۷-۱۹۵۳) مخالفت کردند و بعد از ۱۹۵۸ هم مواضع دموکراسی‌خواهانه را حفظ کردند.

گرچه اتحادیه‌ها غالباً با دولت‌های لیبرال و محافظه‌کار حاکم از ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۴ مخالف بودند، اما جبهه‌ی ملی -بخش غالب جنبش کارگری- از رژیم دموکراتیک حاضر دفاع کرد و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هم این حمایت، علی‌رغم رشد شاخه‌ی چپ رادیکال و ظهور مجدد جنبش چریکی، ادامه یافت.

اخبار خارجی:

بنگلادش:

تن فروشان دارای تشکل می‌شوند

دیپلمات، ۲۲ فوریه ۲۰۱۵



فریدپور، ناحیه‌ای در نزدیکی داکا: این زنان همگی مجبور به زندگی و کار در روسپی‌خانه شده‌اند

روسپیان (کارگران سکس) در بنگلادش در تلاش برای بهبود شرایط خشن و توهین‌آمیز کارشان، متشکل می‌شوند. روسپی‌گری در بنگلادش، اگرچه نهی می‌شود، اما از سال ۲۰۰۰ قانونی شده است. فحشای کودکان در این کشور نسبتاً گسترده است. دین غالب در بنگلادش اسلام است، اما علی‌رغم محدودیت‌های شدید، فقر حاد، زنان بسیاری را به فحشا سوق داده است.



دستمزد پایین، خاصه آنان که در خط مونتاژ و تولید انبوه کار می‌کنند، قابل پذیرش‌تر بشود.

به علاوه، پولی که در صندوق‌های بازنشستگی پیش از موعد ذخیره شده و به مصرف نرسیده است، باید مصرف آموزش کارگران گردد.

پرزیدنت ای.جی.متال پیشرفت حاصله را «اولین قدم مهم در استقرار مدلی برای حق کارگران در تحول مدارج شغلی‌شان نامید».

معاون مدیرکل اینداستری آل می‌گوید: "ما این دست‌آورد قابل توجه را به ای.جی.متال تبریک می‌گوییم. ای.جی.متال یک بار دیگر قدرتش را نشان داد و به افزایش دستمزد مکفی برای فلزکاران و کارگران الکترونیک نائل شد. حمایت گسترده‌ی نزدیک به یک میلیون کارگر در یک رشته اختار در مورد اعتصاب، تکریمی است نسبت به قدرت همبستگی کارگران».

اندونزی:

جاکارتا مدلی برای برخورد به کار

بریتا، ۲۵ فوریه ۲۰۱۵



اندونزی مدام صحره‌ی اعتراضات و اعتصابات وسیع کارگری است

در دیداری بین شهردار جاکارتا، باسوکی آکوک، و وزیر نیروی انسانی و مهاجرت اندونزی، حنیف دخیری، چند تصمیم مهم برای همکاری بین آنان در امر سیاست‌گذاری اخذ شد. یکی از این تصمیمات تبدیل شهر جاکارتا به یک شهر نمونه در برخورد به موضوعات کاروکارگر است.

وزیر نیروی انسانی و مهاجرت فاش کرد که در این دیدار موضوع تعیین دستمزد حداقل در سطح ایالات، خدمات استخدامی و یک‌باره، و آموزش مورد بحث قرار گرفته‌اند.



850 هزار فلزکار در جریان مذاکرات تهدید به اعتصاب کردند

این توافق در نخستین ساعات روز ۲۴ فوریه بین اتحادیه‌ی ای.جی.متال (IG Metall) - اتحادیه‌ی وابسته به اینداستری آل- و گروه کارفرمایان حاصل شد.

این توافق شامل حال ۸۰۰ هزار فلزکار و کارگران الکترونیک، در منطقه‌ی بادن-ووتمبرگ، منطقه‌ی به لحاظ صنعتی کلیدی آلمان، می‌شود و مبنایی را برای مذاکرات در باقی مناطق در سراسر کشور با مجموع ۷/۲ میلیون کارگر تشکیل خواهد داد.

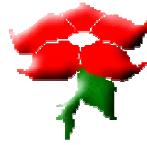
افزایش دستمزد توافق شده از آوریل سال جاری اعمال خواهد شد و پیروزی بزرگی برای اتحادیه‌ی ای.جی.متال محسوب می‌شود. دیلف متزل، پرزیدنت ای.جی.متال می‌گوید: «این دست‌آورد، ثبات را برای اقتصاد آلمان به ارمغان خواهد آورد».

بیش از ۸۵۰ هزار کارگر اتحادیه‌ی ای.جی.متال در سراسر کشور، از اواخر ژانویه سال جاری که چانه‌زنی‌های میان رهبران اتحادیه و گروه کارفرمایان در مورد افزایش دستمزدها برای ۱۲ ماه آینده به بن‌بست رسیده بود، آغاز به تهدید به اعتصاب کرده بودند.

به موجب این توافق، همچنین مبلغ ۱۵۰ یورو به هر کارگر پرداخت خواهد شد. این مبلغ بابت جبران فاصله‌ی ژانویه تا مارس -خاتمه‌ی توافق قبلی و آغاز توافق جدید- پرداخت می‌شود.

توافق حاصله، همچنین وجهی نیز متوجه بازنشستگان پیش از موعد، خاصه بازنشستگان با دستمزد پایین، در بر دارد. در آینده، کارفرمایان ۹۰ درصد دستمزد را خواهند پرداخت، در حالی که کارگران دوره‌ای را به عنوان دوره‌ی پیش از بازنشستگی پیش از موعد، کار خواهند کرد.

این سهم ۹۰ درصدی همچنان از زمانی که کارگران به کار خاتمه می‌دهند تا زمانی که به سن رسمی بازنشستگی می‌رسند، پرداخت خواهد شد. این توافق موجبی است که از این پس بازنشستگی پیش از موعد برای کارگران با



کارگران ایران:

کارگران کوشک بافق در ششمین روز اعتراض



کارگران کوشک بافق که در ابتدای هفته جاری (دوم اسفند) در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق ماه های دی و بهمن سال جاری و همچنین اخراج ۱۷ کارگر این معدن، در اقدامی اعتراضی، کار در بخش های مختلف معدن را متوقف کرده اند، با تجمع در مقابل در ورودی معدن کوشک خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی شان شدند.

اعتراض صنفی کارگران معدن کوشک با تجمع نزدیک به ۱۰۰ کارگر در مقابل درب ورودی این معدن برای ششمین روز ادامه یافت.

به گفته کارگران، اقدام اخیر مدیریت معدن کوشک بافق کارگران را در مورد آینده شغلی شان نگران کرده است.

* * * * *

تجمع کارکنان شرکت پالایش و پخش خون مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری مجلس:

جمعی از پرسنل شرکت مادر تخصصی پالایش و پخش خون در اعتراض به نحوه واگذاری این شرکت به بخش خصوصی در مقابل مجلس تجمع کردند.

حنیف دخیری پس از این دیدار اظهار داشت: "موضوع آموزش دارای اهمیت بسیار است، زیرا کنفرانس جامعه‌ی اقتصادی آ.س.ا.آ.ن. (ASEAN) در دسامبر ۲۰۱۵ به این موضوع خواهد پرداخت."

او توضیح می‌دهد که وزارت مذکور و مقامات شهرداری همچنین موافقت کرده‌اند که کیفیت مرکز آموزش حرفه‌ای را ارتقاء دهند و شروط تحصیلی استاندارد، مثل داشتن دیپلم دبیرستانی، و شرط سنی را برای کسانی که می‌خواهند این آموزش را طی کنند، از میان بردارند.

او می‌افزاید: «دولت به موفقیت کارگران و صنایع برای رقابت در این جامعه‌ی اقتصادی علاقه‌مند است و به این منظور از همکاری [با شهرداری جاکارتا] استقبال کرده است.

دخیری در ادامه می‌گوید که کوشش برای پایین آوردن هزینه‌های کار نیز مورد بحث قرار داشته است و از این زاویه نیز جاکارتا باید به یک مدل نمونه تبدیل شود.

او توضیح می‌دهد: "شهرداری شهر زیر هدایت آکوک آماده است که به یک مدل نمونه در برخورد به موضوعات کار، از آموزش تا دستمزد، تبدیل گردد.

ما نمی‌توانیم از راه‌های مشخص و از فرمول‌های مورد نظر حرف بزنیم، اما مطمئناً پایه‌ی دستمزد، هزینه‌های استاندارد زندگی خواهند بود."

آکوک، شهردار جاکارتا، نیز ایده‌ی تبدیل جاکارتا به یک مدل نمونه در برخورد به موضوعات کار را در استقبال از جامعه‌ی اقتصادی آ.س.ا.آ.ن. تمجید می‌کند.

آکوک می‌گوید: "البته که ما آماده‌ایم. ما خواهان صراحت بیشتر در فرمول هزینه‌های استاندارد داریم. بنابراین دیگر نیازی به اعتصابات کارگری نخواهد بود.

ما با کارگرانی که مدت‌ها در جاکارتا کار کرده‌اند، روراستیم. اگر کسی می‌خواهد در جاکارتا کارت شناسایی بگیرد، کافی است آن را درخواست کند."

او می‌افزاید که شهرداری همچنین می‌خواهد جاکارتای‌هایی که نمی‌توانند به تحصیلات‌شان ادامه دهند، دوره‌های آموزش حرفه‌ای را طی کنند.

"دوباره تأکید می‌کنم: ما با همه روراستیم. اگر می‌خواهید در جاکارتا کار کنید، بفرمایید!"



اعتراض معلمان رو به گسترش است



معلمان به طرح مجدد مصوبه «افزایش فوق العاده شغلی کارکنان دولت» و اجرایی شدن این مصوبه بدون ملاحظه حقوق صنفی آنان و همچنین در نظر گرفته نشدن بودجه مناسب برای آموزش و پرورش در سال آینده معترضاند.

همزمان با بررسی بودجه ۹۴ در مجلس شورای اسلامی، رزمه‌های اعتراضات صنفی معلمان به گوش می‌رسد.

یک فعال صنفی معلمان ظهر امروز (یکشنبه ۳ اسفند) از اعتراض صنفی معلمان در شهرهای مختلف کشور خبر داد. به گفته مهدی بهلولی، معلمان به طرح مجدد مصوبه

«افزایش فوق العاده شغلی کارکنان دولت» و اجرایی شدن این مصوبه بدون ملاحظه حقوق صنفی آنان و همچنین در نظر گرفته نشدن بودجه مناسب برای آموزش و پرورش در سال آینده معترضاند.

اگر چه اعتراض صنفی معلمان در دو منطقه تهران نیز گزارش شده، اما دامنه اعتراض‌ها در شهرستان‌ها گسترده‌تر بوده است.

معلمان در شهرهای خرم‌آباد، کرج، شهریار، اسلامشهر، رباط کریم، زرین شهر اصفهان، شهرضا، برخی از شهرهای خراسان رضوی، دیواندره کردستان و برخی از نقاط دیگر کشور صبح امروز در اقدامی هماهنگ در کلاس‌های درس حاضر نشدند.

نماینده تجمع‌کنندگان در تشریح دلایل اعتراض خود گفت: هم‌اکنون پرسنل این شرکت با ۱۵ تا ۲۵ سال سابقه کار، به علت واگذاری غیرقانونی شرکت مادر تخصصی پالایش و پخش خون به بخش خصوصی در آستانه بیکاری قرار دارند.

اعتصاب کارگران فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه ویژه عسلویه

جمعی از کارگران پیمانکاری فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه ویژه عسلویه در اعتراض به طولانی شدن مطالبات مزدی خود طی روزهای گذشته از انجام کار خودداری کرده‌اند.

منابع خبری ایلنا در منطقه ویژه عسلویه با اعلام این خبر افزودند: تعداد کارگرانی که در این اقدام صنفی اعتراضی شرکت کرده‌اند به صدها تن می‌رسد که در شرکت‌های پیمانکاری مجری طرح‌های فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه عسلویه کار می‌کنند.

پنج شرکت پیمانکاری «آذران گستر»، «ارشک مکانیک»، «توانمند»، «ونوسان» و «ژرفا» از جمله کارفرمایانی هستند که کارگران آنها در چهار روز گذشته در اعتراض به دریافت نکردن سه تا پنج ماه معوقات مزدی از انجام کار خودداری کرده‌اند.



بیکاری ۱۰۰ کارگر با تعطیلی موقت قند کرج

این واحد تولیدی بیش از ۲۵۰ کارگر دارد که حدود ۱۰۰ کارگر قرارداد موقت با تعطیلی کارخانه بیکار شده و برای دریافت مستمری بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شده‌اند.

سه سال انتظار کارگران اخراجی «یخچال سازی البرز»

با گذشت سه سال از تعطیلی کارخانه یخچال سازی البرز در شهرستان نیشابور هنوز ۷۶ کارگر بیکار شده این واحد تولیدی موفق به دریافت سنوات پایان کار خود نشده‌اند.

اعتراض بازنشستگان صنعت فولاد در برابر مجلس



بازنشستگان صنعت فولاد کشور همزمان با آغاز صحن علنی مجلس در اعتراض به تعویق دریافت مستمری‌شان مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، بازنشستگان فولاد در پی تعویق ۳ ماه مستمری خود مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

تجمع کنندگان پرداخت به موقع مستمری خود را در گروهی استقرای صندوق بازنشستگی فولاد از خزانه کل کشور می‌دانند.

گفتنی است، تا لحظه انتشار این خبر تعدادی از نمایندگان از جمله علی ایرانپور، عباس مقتدایی خوراسگانی و مجید منصوری بیدکانی در جمع تجمع کنندگان حاضر شدند.

📖 حوادث کار



مرگ کارگر ساختمانی در خیابان پاسداران

به گزارش ایلنا، روز (۶ اسفند) یک کارگر ۲۵ ساله به نام «صاحب-گ» تبعه کشور افغانستان، هنگام کار در یک مجتمع ساختمانی در خیابان پاسداران، خیابان گل نبی، بر اثر برخورد با کف چاهک آسانسور کشته شد.

طی ده ماه نخست سال جاری؛

حوادث کار در سمنان ۶۱ درصد افزایش یافته است

تعداد فوت شدگان ناشی از حوادث کار در ده ماه ۱۳۹۳ در استان سمنان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۱/۵ درصد افزایش یافته است.

📖 اخبار کوتاه

۱۸۰ کارگر «قطعات بتنی گیلان» ۳ ماه حقوق نگرفته‌اند

کارفرمای کارخانه قطعات بتنی گیلان از آذر ماه سال جاری به دلیل آنچه کمبود نقدینگی عنوان شده، حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.

پرداخت حقوق ۱۸۰ کارگر کارخانه «قطعات بتنی گیلان» طی ۳ ماه گذشته به تعویق افتاده است.



سقوط کرده است و میوه، گوشت و لبنیات در حال برچیده شدن از سفره های خالی آنان است.

چنین شرایط دهشت ناکی در کشوری فحطی زده رخ نداده، بلکه این وضعیت بر کارگران و زحمتکشان کشوری تحمیل شده است که دارای نیروی جوان و تحصیل کرده و ماهر و بالاترین ذخایر ترکیبی نفت و گاز جهان است.

آیا شرم آورتر از این وجود دارد که در چنین کشوری معلمان به سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان شان تبدیل بشوند و دست به مسافر کشی در خیابان ها بزنند؟ آیا در چنین کشوری شایسته است که کارگران و دیگر زحمتکشان بازنشسته به دلیل ناچیز بودن حقوق بازنشستگی به شکل خرد کننده ای دغدغه معیشت داشته باشند؟

آیا در چنین کشوری می باید میلیون ها کارگر با ساعات کار ۱۲ ساعته و ۱۸ ساعته در مقابل همسر و فرزندانشان شرمنده لقمه ای نان شوند؟ آیا در چنین کشوری می توان قبول کرد که هزاران تن در آن دست به فروش کلیه بزنند، تن فروشی، نکبت اعتیاد، استیصال و ناامیدی از زندگی، میلیون ها تن از مردم آن کشور، از نوجوانان تا جوانان و کهن سالانش را در خود فرو برد؟

بی تردید پاسخ همه ما کارگران و عموم مردم شریف ایران به همه این سوالات منفی است. از همین رو هم بوده است که ما کارگران و دیگر زحمتکشان هیچ گاه در دفاع از شرافت انسانی خود ساکت ننشسته ایم و علی رغم بگپر و بند و زندان و محاکمه و تعقیب قضائی به هر شکل و شیوه ای از طومار نویسی تا اعتصاب و تجمع خواهان پایان دادن به وضعیت فلاکت بار موجود شده ایم.

اما انگار که در این مملکت کارگران حق حیات ندارند، طوری که چرخه تحمیل حداقل مزدی خفت بارتر از پیش، هر ساله با خیمه شب بازی تشکل های دست ساز دولتی و شورای

مدیر کل پزشکی قانونی استان سمنان درباره مصدومان حوادث کار در این استان گزارش داد: در این مدت ۲۹۶ مصدوم حوادث کار به ادارات پزشکی قانونی استان سمنان مراجعه کرده اند.

وی همچنین اعلام کرد: در استان سمنان سقوط از بلندی با ۴۸ درصد و اصابت جسم سخت با ۲۸ درصد بیشترین علت مرگ در حوادث کار را به خود اختصاص می دهد. شاطری با اشاره به اینکه تمامی تلفات حوادث کار سال جاری در استان سمنان مربوط به مردان می شود، گفت: در مدت مشابه سال قبل ۱۲ مرد و یک زن در حوادث کار جان خود را از دست دادند.

مدیر کل پزشکی قانونی استان سمنان همچنین گفت: در حوادث کار ده ماهه امسال بیشترین آمار تلفات مربوط به شهرستان سمنان با ۹ مورد فوتی است که در مدت مشابه سال قبل، شهرستان های سمنان و شاهرود هرکدام با ۶ مورد فوتی بالاترین آمار را داشته اند.

* * * * *

آتش سوزی به مصدومیت یک کارگر انجامید

آتش سوزی گسترده در ساختمان ۵ طبقه تولید کیف و کفش در خیابان ظهیرالاسلام به سوختگی یک کارگر انجامید.

به گزارش ایلنا، این حادثه بعد ظهر یکشنبه (۴ اسفند ماه) در خیابان جمهوری، خیابان ظهیرالاسلام زمانی رخ داد که در پی آتش سوزی گسترده یک کارگاه تولید کیف و کفش در یک ساختمان ۵ طبقه سایر واحدهای تولیدی نیز دچار حریق شدند.

اطلاعیه ها

بیانیه تشکل های مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل مزد

لحظه ای در دفاع از معیشت خود درنگ نخواهیم کرد

امروز هر انسان شریف و منصفی بر این واقعیت غیر قابل انکار واقف است که میلیون ها کارگر و انسان زحمتکش از کارگران صنایع بزرگ و کوچک تا معلمان، پرستاران و بازنشستگان در بدترین وضعیت معیشتی ممکن در تاریخ ۵۰ ساله اخیر کشور قرار دارند، طوری که بنا بر اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی در حال حاضر زندگی میلیون ها خانواده کارگری به سه برابر زیر خط فقر



عالی کار با زیر پا گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار به ستم گرانه ترین شکلی تکرار می شود و میلیون ها خانواده کارگری در معرض فقر و فلاکت روز افزون تری قرار می گیرند.

تداوم چنین چرخه توقف ناپذیری از تحمیل ستم معیشتی بر ما کارگران در طول سال ها و دهه های گذشته تا بدان جا پیش رفته است که امروز در حالیکه حداقل مزد کارگران ۶۰۸ هزار تومان است و بسیاری از آنان حتی همین حداقل را نیز دریافت نمی کنند طبق اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی سید هزینه یک خانوار چهار نفره به بیش از سه میلیون تومان رسیده است و بدین گونه ادامه حیات و بقا ما کارگران عملا غیر ممکن شده است.

بنابراین طبیعی است که امروز و در سال ۹۳ با این درجه از وسعت اعتراضات و اعتصابات و همچنین شفافیت در مطالبات کارگری مواجه باشیم.

این درست است که طبقه کارگر علی رغم گستردگی مبارزاتی اش به پیروزی قطعی نرسیده و مطالبات اش در سطح سراسری هنوز پاسخ نگرفته است. اما مواجه بودن با مشقات معیشتی، چهار - پنج برابر زیر خط فقر بودن سطح دستمزد و وجود حقوق های معوقه طولانی مدت، واقعیت انکار ناپذیر زندگی طبقه کارگر هستند. ولی این عدم موفقیت قطعی، ذره ای از اهمیت مبارزاتی اش نمی کاهد و کاملا برعکس، در شرایط اقتصادی امروز ایران، مبارزات کارگری جایگاه مستحکم و با ثباتی را یافته است.

کارگر ایرانی به یمن مبارزات بی وقفه اش، دیگر با ویژگی اعتراضی و اعتصابی شناخته می شود و به نظر من این را نباید دست کم گرفت. اگر طبقه کارگر هنوز نتوانسته نقطه پایانی بر هیچ یک از مشکلات و معضلاتی که کارفرمایان و سرمایه داران بر او تحمیل کرده اند، بگذارد؛ علت را باید در طرف مقابل جستجو کرد. کارگران معترض و اعتصابی به شدت سرکوب و تهدید می شوند و رهبران شان اخراج، بازداشت و یا زندانی می شوند.

تا کنون ده ها و صدها فعال کارگری، اخراج و یا زندانی شده اند. اما باز هم می بینیم که کارگران لحظه ای دست از مبارزه و اعتراض بر نداشته و همچنان برای رسیدن به مطالبات شان مصمم هستند. بارها به تشکل های موجود کارگری حمله شده و اعضای شان زندانی شده اند و این گونه اقدامات ضد کارگری توانسته توده وسیع کارگر را از پیوستن به تشکل های واقعا" کارگری باز دارد.

این یکی از عواملی است که تاکنون مانع شکل گیری اعتراضات و اعتصاب های سراسری بوده است که نرسیدن به

لذا با عنایت به این واقعیت محرز و غیر قابل انکار، ما امضا کنندگان این بیانیه با یادآوری اعتراض های اخیر معلمان و کارگران صنایع خودرو سازی و عزم و اراده خلل ناپذیر عموم کارگران برای برخورداری از یک زندگی مطابق با استانداردهای امروزی به دولت و صاحبان سرمایه اعلام می داریم چنانچه به فوریت فاصله سید هزینه بالای سه میلیون تومانی با حداقل مزد خفت بار ۶۰۸ هزار تومانی پر نشود، روز بروز بر عمق و دامنه اعتراض کارگران افزوده خواهد شد و ما با اتکا به قدرت اتحاد و همبستگی مان لحظه ای در دفاع از معیشت خود درنگ نخواهیم کرد.

دوم اسفند ۱۳۹۳
اتحادیه آزاد کارگران ایران
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری
کانون مدافعان حقوق کارگر
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
سندیکای کارگران نقاش استان البرز

اندیشه

جوانمیر مرادی:

مبارزه کارگران

جایگاه مستحکمی یافته است

به نقل از سایت اتحاد

آنچه که امروز ما در جنبش کارگری ایران شاهد اش هستیم ادامه یک روند رو به پیش است که دهه هاست شروع شده و ادامه دارد. واقعیت این است که کارگران ایران روزی بدون اعتراض و مبارزه علیه وضع موجود معیشت شان نبوده اند. گرچه این اعتراضات دوره های افول و عروج را تجربه کرده است، اما همواره رو به جلو بوده و ذره ای نشان از عقب نشینی بر سر خواسته ها و مطالبات را در خود نداشته است.



در مورد بخش دیگری از صحنه تان که بعضی از فعالین سندیکالیست از ایجاد تشکل‌هایی مانند انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های مورد حمایت دولت حمایت می‌کنند و ادعا می‌کنند که این تشکل‌ها با دخالت خود کارگران تشکیل شده‌اند؛ به نظر علی‌رغم اینکه ممکن است که کارگران زیادی از صنوف معین و یا در کارخانه‌ای به عضویت آنها درآمده باشند، باز هم این تشکل‌ها فاقد اعتبار کارگری بودن، هستند. کارگران ایران در فضائی نیستند که آزادانه انتخاب شوند و یا انتخاب کنند. کارگرانی که به چنین تشکل‌هایی رأی می‌دهند، از راه تطمیع یا تهدید به پای صندوق رأی کشانده می‌شوند، بنابراین این تشکل‌ها فاقد مشروعیت هستند و ماهیتاً در خدمت کارفرمایان قرار دارند.

تازه اگر هم تشکلی با اراده کارگران ایجاد شود باز هم نمی‌توان مطمئن بود که واقعا کارگری است و از منافع کارگران دفاع می‌کند. من خودم تجربه چنین پدیده‌ای دارم، البته این تجربه در زمینه ایجاد تشکل نیست، بلکه انتخاب نماینده است. در اوایل دهه هفتاد من در نیروگاه برق بیستون کرمانشاه کار می‌کردم.

تعداد کارگرانی که برای شرکت سیکوم کار می‌کردیم ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر بودیم. چندین بار بر سر مطالبات خود اعتصاب کردیم و بعد از مدتی تصمیم به انتخاب نماینده گرفتیم.

دو تن را با رأی بالائی به عنوان نماینده انتخاب و به اداره کار معرفی کردیم تا از طریق آنها بتوانیم خواسته‌های مان را پی‌گیری کنیم. اما خیلی زود دو نفر نماینده با تهدید و تطمیع اداره کار به عوامل آنها تبدیل شدند و به مخالفت با خواست و مطالبات کارگران برخاستند.

در نتیجه کارگران با جمع‌آوری مجدد امضاء خواستار برکناری نمایندگان شدند، ولی اداره کار با استفاده از ابزارهای قدرت خود به دفاع از آنها پرداخت و کارگران معترض را با ارباب، تهدید کردند.

بنابراین پشت سر داشتن رأی کارگر به خودی خود به هیچ تشکل، نهاد و ارگانی هویت و ماهیت کارگری نمی‌بخشد. تنها تشکلی می‌تواند در خدمت تأمین منافع کارگران باشد که با اراده خود آنها تشکیل شود و نمایندگان خود را از طریق مجمع عمومی انتخاب و یا عزل کنند.

موفقیت کامل اعتراض‌ها و به سادگی بازپس گرفتن مطالبات کارگران از سوی سرمایه‌داران، از تبعات آن است.

از سویی دیگر، ایده ایجاد تشکل‌های واقعی کارگری یا به اصطلاح مستقل، از اوایل دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد و بر مبنای بی‌اعتبار شدن تشکل‌های ضد کارگری‌ای مانند شوراهای اسلامی یا خانه کارگر شکل نگرفت؛ بلکه ایجاد تشکل‌های کارگری خواست و آرزوی دیرینه کارگران و به قدمت موجودیت خود طبقه کارگر بوده است.

در دوران انقلاب ۵۷ و حتی مدت‌ها بعد از آن، کارگران شوراهای خود را ایجاد کردند و از طریق شوراهای شان، اعمال اراده بر روند کار و تولید در مراکز کارگری می‌کردند.

اما در سال‌های بعد، تشکل‌ها و شوراهای کارگری سرکوب و منحل گردیدند و شوراهای اسلامی جای شان را گرفت. شوراهای اسلامی و خانه کارگر تشکل‌های ضد کارگری‌ای بودند که نه توسط کارگران، بلکه از بالای سر آنها و برای دفاع از منافع کارفرمایان تشکیل شدند و در سرکوب کارگران نقش بسزائی داشته‌اند.

در نتیجه این‌گونه تشکل‌ها هیچ وقت مورد اعتماد کارگران نبوده و اوایل دهه هشتاد موفقیتی بود که طبقه کارگر بعد از سال‌ها مبارزه به دست آورد و موفق شد اولین تشکل‌های خود را ایجاد کند.

اما همزمان با یورش گسترده به تشکل‌هایی که خود کارگران ایجادشان کرده بودند، طرح ایجاد انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌ها از سوی دولت، دو سوی یک تلاش است برای از دسترس دور کردن تشکل‌های کارگری و ترغیب کارگران به عضویت در نهادهای دست‌ساز و هدایت اعتراض‌های کارگری به کانال قانونی و مهار آن است.

اگر می‌بینیم که این تشکل‌ها در بعضی از اعتراضات به سخنگوی کارگران تبدیل می‌شوند، علت این است که خوشبختانه مبارزات کارگران به حدی جدی و با عزم و اراده و همچنین گسترده است که اینها به ناچار به خاطر اینکه از جانب کارگران کنار زده نشوند و در واقع زیر فشار اعتراضات کارگری به سخنگوی خواست و مطالبات کارگران تبدیل می‌شوند.

کافی است کارگران مطالبات شان را صریح و قاطع بیان نکنند، آن وقت خواهیم دید که این به ظاهر سخنگویان، چگونه کارگران را به تمکین و سازش خواهند کشاند و ماهیت واقعی خود را به نمایش خواهند گذاشت.



تاریخ کارگری

و بیش از ۵۰۰ تن از شرکت کنندگان آن را به نقاط دور دست تبعید کردند.

گاه شمار اعتصاب های کارگری در ایران

اعتصاب کارگران آغاچاری

اعتصاب کارگران آغاچاری و سپس اعتصاب مهم صد هزار کارگر در آبادان و سایر نقاط خوزستان در ژوئیه ۱۹۴۶ در موقع زمامداری قوام السلطنه (چند روز قبل از ورود لوثی سایان به ایران) که جریان این اعتصاب خونین (با مطالبات اقتصادی و سیاسی) در متن رساله حاضر شرح داده شده است. ضمن تقاضاهای اقتصادی کارگران و مطالبه اجرای قانون کار مصوبه برکناری مصباح فاطمی ساتراپ خوزستان که عامل کمپانی بوده است، خواستار شدند.

اعتصاب ۵۰ هزار کارگر

اعتصاب ۵۰ هزار کارگر نفت جنوب در سال ۱۹۵۱ یعنی در آستانه ملی شدن صنایع نفت، در آستانه زمام داری دکتر محمد مصدق بوده است. این اعتصاب از طرف قاطبه کارگران ایران، تهران، رشت، اصفهان و سایر نقاط کشور پشتیبانی شد و منجر به پیروزی کارگران نفت بندر معشور و عموم کارگران نفت گردید.

در نتیجه این مبارزه، صنایع نفت در سراسر ایران ملی شد و به تصویب پارلمان ایران رسید.

از مبارزات دیگر کارگران بایستی مبارزات اعتصابی کارگران نساجی در اصفهان، شاهی، چالوس، بهشهر و سایر نقاط کشور نام برد. مخصوصا اعتصاب خونین کارگران شاهی در سال ۱۹۵۰ قابل توجه است. و نیز از مبارزات اعتصابی متعدد کارکنان و کارگران نساجی سمنان، رشت، مازندران، تبریز و سایر نقاط کشور باید نام برد.

از دیگر مبارزه های کارگران، می توان به اعتصاب سراسری کارگران راه آهن در اواخر سال ۱۹۴۵ اشاره کرد.

خلاصه پس از شکل طبقه کارگر و پیدایش سندیکاهای کارگری، کارگران توانستند علیه ارتجاع و استثمار مبارزه ثمر بخش و موثر را سازمان دهند. اتحادیه های کارگری علنا وجود داشتند و ضامن اجرای قانون کار، بیمه و غیره بودند. شورای متحده مرکزی و اتحادیه های کارگری علم دار مبارزه طبقه کارگر ایران محسوب می شدند. ولی بعد از کودتای مرداد سال ۱۹۵۳ غالب مزایای کارگری از جمله حق تشکیل سندیکای حقیقی کارگران بوسیله رژیم کودتا از بین رفت.

دموکراسی پایمال شد و رژیم ترور و وحشت و عوام فریبی مستقر گردید. قانون کار، بیمه و غیره روی کاغذ ماند.



رضا روستا / راه توده

مبارزه کارگران قبل از کودتای شاه و زاهدی

طبقه کارگر ایران از اواخر قرن گذشته با رشد سرمایه داری و توسعه روابط تجاری با کشورهای خارجه مخصوصا با روسیه بوجود آمد.

اتحادیه های کارگری در موقع انقلاب مشروطیت در سال های ۱۹۰۷-۱۹۱۱ در ایران عرض اندام نمودند. پس از جنگ بین المللی اول و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، اتحادیه های کارگران در ایران توسعه یافتند. اولین جنبش سندیکائی در میان کارگران مطبوعات و چاپخانه ها بوجود آمد. سپس نساجان، کفاشان و غیره. همچنین کارمندان پست و تلگراف و معلمان، دبیران و سایر رشته ها و تشکیل سندیکا مبادرت ورزیدند.

پیشروترین و آگاه ترین پرولتاریای ایران، کارگران نفت جنوب هستند که از اوائل قرن بیستم شرح مبارزه آنها در روزنامه «حبل المتین» چاپ و منتشر شده است. اتحادیه های کارگران نفت گران در سال های ۲۰ قرن حاضر تشکیل گردید.

کارگران نفت در اثر فشار و استثمار بیرحمانه بارها دست به اعتصاب زده اند که متشکل ترین و مهم ترین آنها سه اعتصاب را باید خاطر نشان ساخت.

اعتصاب کارگران نفت جنوب

اعتصاب ۹ مه ۱۹۲۹ کارگران نفت جنوب که عده زیادی از کارگران نفت در این اعتصاب شرکت داشتند به مدت سه روز طول کشید. اعتصاب برای اضافه دستمزد و تقلیل ساعات کار، بهبود شرایط کار و زندگی، به رسمیت شناختن اتحادیه و تعطیلی اول ماه مه بود. ولی قوای نظامی رضاشاه به سرکردگی سپهبد امیراحمدی جلاد معروف به اشاره کمپانی نفت جنوب این اعتصاب را خاموش



در آن زمان ۱۱۲ هزار کارگاه ۹۶،۵ درصد تولیدات صنعتی ایران را بعمل می آورند، بنابراین جمعا ۴۴۴ هزار کارگر به فعالیت مشغول و در ۱۸۸ هزار کارگاه دیگر که صنایع روستائی هم جزو آن به شمار می آمد، بیش از یک میلیون کارگر مشغول کار بودند.

اعتصاب کارگران یکپارچه بود، به طوری که در دوران اعتصاب هشت کشتی در اسکله متوقف ماند و نتوانستند بار خود را تخلیه کنند.

۲۳ فروردین ۱۳۳۷ رانندگان ۱۲ هزار تاکسی و اتومبیل در تهران اعتصاب مشهور خود را آغاز کردند. این اعتصاب که با نظم و وحدت شایانی انجام گرفت، ضربه سنگینی بر رژیم کودتا وارد ساخت. به دستور منوچهر اقبال نخستین وزیر وقت عده‌ای از نمایندگان اعتصابیون را که در جلوی مجلس گرد آمده بودند دستگیر کردند. در این ایام بود که منوچهر اقبال در مجلس گفت

هسته اساسی طبقه کارگر ایران را کارگران نفت، نساجی، صنایع کشاورزی، راه آهن و ساختمان تشکیل می دادند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد دشمنان طبقه کارگر ایران خیال می کردند که هر گونه نطفه مبارزه جویانه در صفوف کارگران نفت نابود شده است. ولی اعتصاب مرداد ۱۳۳۴ کارگران آبادان، درست در سال های نخست سیطره کنسرسیوم بین المللی نفت، تمام محاسبات خوش بینانه استعمارگران را در هم فرو ریخت.

«از این کلمه اعتصاب بدم می‌آید... این لغت را توده‌ای‌ها آوردند.»

در فروردین ۱۳۳۸ کارگران کارخانه «ریسباف» اصفهان به عنوان اعتراض تاخیر در پرداخت حقوق دست از کار کشیدند. در اردیبهشت ماه کارگران چاپخانه‌ها مبارزه در راه ۵۰ درصد افزایش حقوق را بیش از پیش شدید ساختند و چون کارفرمایان از اجرای خواست آنان سرباز می‌زدند، کارگران تهدید به اعتصاب کردند و بالاخره ۲۵ اردیبهشت موافقتنامه‌ای بین طرفین به امضاء رسید که به موجب آن فرار شد قانون کار در باره کارگران چاپخانه‌ها به موقع اجرا گذارده شود و ۲۵ درصد به مزد آنان افزوده گردد.

گرچه مناطق نفت خیز همچنان در زیر چکمه نظامیان بود، ولی کارگران نفت سد سرکوبی و فشار را درهم شکسته و پرچم مبارزه را دوباره برافراشتند. اعتصاب مرداد کارگران نفت آبادان با پیروزی پایان یافت و کنسرسیوم نفت به دستمزد کارگران افزود.

اعتصاب متحد و متشکل ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه‌های تهران در خرداد ۱۳۳۸

در تابستان و پائیز ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجد سلیمان و آغاچاری سلسله اعتصاب هائی را آغاز کردند. کارگران خواهان اضافه دستمزد و به رسمیت شناختن حق اعتصاب شدند. بنا به درخواست روسای کنسرسیوم نفت، مقامات دولتی اعتصاب را غیر قانونی اعلام و سران اعتصاب را روانه زندان کردند.

ضربه مهلک دیگری بود به رژیم کودتا. کارگران کوره پزخانه‌ها علی‌رغم محیط ترور و اختناق که شاه بوجود آورده بود، برای احقاق حقوق خویش و نجات کودکان و زنانشان از چنگال گرسنگی و مرگ به پا خاستند. بلافاصله پس از آغاز اعتصاب دستگاه پلیس و نظامی شاه به حرکت در آمد. روزنامه «کیهان» در آن روز نوشت:

در همین ایام کارگران کارخانه های آجرپزی تهران و کارگران معادن رباط کریم دست به اعتصاب زدند. اعتصابیون به شرایط غیر قابل تحمل مسکن، تغذیه و پائین بودن سطح دستمزد ها معترض بودند. در سال ۱۳۳۷ کارگران کارخانه های مختلف اصفهان به کرات دست به اعتصاب زدند.

«درست نیم ساعت از آغاز جنجال اعتصاب گذشته بود که مامورین انتظامی سر رسیدند و در کارخانه‌ها نیروی امدادی شهربانی و افراد سازمان امنیت حاضر شدند.»

کارگران کوره پزخانه‌های خواهان اضافه دستمزد به میزان ۲۵ درصد بودند. به دستور شاه کارگران را به مسلسل بستند و در نتیجه ۵۰ کشته و عده کثیری زخمی شدند.

آن ها به تاخیر در پرداخت حقوق، کمی جیره نان، نبودن لباس کار و همچنین نرسیدن به موقع مواد خام که منجر به تعطیل اجباری کارخانه و بالتیجه بیکار ماندن کارگران می شد اعتراض می کردند. در این سال ۵۰۰ کارگر لوله نفت در جزیره خارک به عنوان اعتراض به شرایط سخت کار و زندگی دست از کار کشیدند.

مامورین سازمان امنیت صدها تن از فعالان کارگری را روانه سیاه چالها کردند. با وجود این رژیم کودتا مجبور به عقب نشینی در مقابل اراده کارگران گردید و پاره‌ای از خواست‌های آنان برآورده شد.

۲۳ مهر ۱۳۳۷ اعتصاب پنج روزه کارگران بندر شاهپور با موفقیت پایان یافت و کارگران که برای گرفتن اضافه دستمزد اعتصاب کرده بودند، کارفرمایان را وادار کردند که ۲۰ ریال بر حقوق آنها بیفزایند.



دانشجویان را زندانی کرد، کارگران اصفهان، تبریز و پاره ای دیگر از مراکز صنعتی به علامت اعتراض اعتصاب ۲۴ ساعته اعلام کردند.

در اواخر فروردین ۱۳۴۰ کارگران کارخانه های "نختاب" و "شهناز" اصفهان به عنوان اعتراض به اخراج کارگران کار را تعطیل کردند. اعتصابیون در عین حال خواهان اضافه دستمزد بودند.

در اردیبهشت ۱۳۴۰ کارگران نفت مسجد سلیمان اعتصاب کردند. در همان روزها ۸۰۰ راننده شرکت ملی نفت متینگ همبستگی با کارگران اعتصابی تشکیل داده و طی قطع نامه ای خواهان تعیین حداقل دستمزد ها شدند. یازدهمین ماه کارگران اخراجی از کارگاه های نساجی رشت در میدان شهر بست نشستند.

ادامه دارد

اقتصاد ملی

گزارش ویژه مزد ۹۴

جدول سهم تحصیل در سبد هزینه خانوار کارگری



« قدرت واقعی سرانه یک خانوار کارگری در کرمان نشان می‌دهد یک خانواده ۴ نفره کارگری در سال رقمی حدود ۲۵۹ هزار تومان در اختیار دارند تا صرف هزینه‌های تحصیلی فرزندانشان کنند.

رقمی که به گفته خانواده یک کارگر معدن ساکن کوهبنان کرمان، در همان ابتدای سال ۱۲۰ هزار تومان آن بابت هزینه ثبت نام دو دانش آموز دبستانی درحال تحصیل در یک مدرسه دولتی از جیبشان می‌رود و نزدیک به چند برابر آن طی هزینه‌های جانبی دیگری که برای تحصیل فرزندان به آنها تحمیل می‌شود در طول سال از قدرت خرید آنها برای تامین سایر اقلام ضروری زندگی کم می‌کند».

۲۳ خرداد ۱۳۳۸ هزار و ۷۰۰ کارگر کارخانه وطن اصفهان اعتصاب کرده و خواهان اضافه دستمزد شدند. ولی آنها هم مانند کارگران کوره پزخانه‌های تهران با سر نیزه سازمان امنیت و پلیس مواجه گردیدند و در نتیجه ۱۰ کارگر کشته و عده‌ای زخمی شدند.

در همان سال کارگران کارخانه‌های «پشمیاف»، «شهناز» و «شهرضا» ی اصفهان اعتصاب کردند. کارگران کارخانه شهرضا اصفهان برای اجرای قانون کار به اعتصاب دست زدند که در نتیجه محصول کارخانه به نصف تقلیل یافت.

۱۵ آبان ۱۳۳۸ کارگران زن از مدیریت کارخانه شهناز و همچنین از اداره کار اصفهان خواستند که طبق قانون کار حقوق آنان را تا ۲۵ ریال که حداقل بود افزایش دهند (حقوق زنان ۲۲-۲۵ ریال بود). سایر کارگران هم تقاضای اجرای مواد ده گانه قانون کار را داشتند. مدیریت کارخانه بلافاصله به سازمان امنیت مراجعه کرد. آنها دو تن از کارگران را توقیف کردند. ولی روز بعد- ۱۶ آبان - کارگران متحد اعتصاب را آغاز نمودند.

مامورین سازمان امنیت عده‌ای از کارگران را به عنوان «محرک» دستگیر و ۱۸ تن را به رفسنجان تبعید کردند. کارفرمایان ۸۰ تن را از کار اخراج نمودند.

ولی این اقدام وحشیانه کارفرمایان و دولتیان، نتوانست اراده مبارزه کارگران را درهم شکند.

در سال ۱۳۳۹ دوباره کارگران کارخانه «شهناز» به اعتصاب دست زدند. اعتصابیون خواهان تعیین حداقل دستمزد، پرداخت مستمری به کارگرانی که دارای اطفال، برگشت مجدد کارگران اخراجی به کار، تامین مرخصی ۱۲ روزه در سال با پرداخت حقوق و غیره بودند.

نیروی ارتش محوطه کارخانه را اشغال کرده و رهبران اعتصاب را دستگیر نمودند. اما کارگران با اتحاد و یگانگی بی‌نظیری به اعتصاب ادامه دادند و بالاخره پیروز شدند. بعد از ۶ روز اعتصاب هماهنگ، کارفرما مجبور به عقب نشینی شد.

در مهرماه ۱۳۳۹ کارگران ساختمانی سد دژ برای تامین اضافه دستمزد و تقلیل ساعات کار دست از کار کشیدند. و در دی ماه همان سال پس از حادثه انفجار در معدن زغال سنگ شمشک که منجر به قتل ۲۱ تن شد، کارگران ماشین مهندس معدن را سنگباران کرده و به تظاهرات علیه مطالب کارفرمایان و دولتیان پرداختند.

در جریان انتخابات دوره بیستم هنگامی که دولت عده‌ای از



ما قصد داریم بدانیم کارگران در طول یک سال چقدر درآمد داشته‌اند بنابراین عدد بدست آمده را در ۳۶۵ ضرب می‌کنیم. به این ترتیب دستمزد خالص کارگر در طول سال ۹۳ رقم ۶۸ میلیون و ۸۹۸ هزار و ۱۶۶ ریال محاسبه شده است.

حال اگر مجموع حقوق و مزایای جانبی یک کارگر حداقل بگیر را به این رقم اضافه کنیم. جمع مبلغ حقوق سنوات، بن کارگری، حق مسکن و عیدی، این عدد را به ۱۰۰ میلیون و ۱۵۷ هزار و ۲۶۶ ریال می‌رساند که اگر فرض کنیم این کارگر متاهل و صاحب دو فرزند است، این دریافتی با احتساب حق عائله‌مندی نهایتاً به ۱۱۴ میلیون و ۷۷۱ هزار و ۱۰۶ ریال می‌رسد.

بنابراین کارگر حداقل‌بگیر متاهل با دو فرزند ماهانه ۹۵۶ هزار و ۴۲۶ تومان، کارگر حداقل‌بگیر متاهل با یک فرزند ماهانه ۸۹۵ هزار و ۵۳۴ تومان و کارگر حداقل‌بگیر متاهل بدون فرزند یا کارگر حداقل‌بگیر مجرد ماهانه ۸۳۴ هزار و ۶۴۳ تومان در سال ۹۳ دریافتی داشته است.

اتباع ایران علاوه بر دستمزد ماهانه، مبالغی نیز به عنوان یارانه نقدی از دولت دریافت می‌کنند. پس یک خانوار کارگری ۴ نفره، ماهانه مبلغ یک میلیون و ۸۰۰ هزار ریال، خانوار سه نفره یک میلیون و ۳۵۰ هزار ریال و خانوار دو نفره و افراد مجرد به ترتیب ماهانه ۹۰۰ هزار ریال و ۴۵۰ هزار ریال یارانه می‌گیرند که این رقم طی سال برای خانوار چهارنفره کارگری برابر ۲۱ میلیون و ۶۰۰ هزار ریال، خانوار سه نفره ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال، خانوار دو نفره ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و خانوار تک نفره برابر ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال دریافت خواهند کرد.

با این حساب درآمد خالص خانوارهای کارگری به ترتیب زیر خواهد بود

خانوار ۴ نفره: ۱۳۶ میلیون و ۳۷۱ هزار و ۱۰۶ ریال
خانوار ۳ نفره: ۱۲۳ میلیون و ۶۶۴ هزار و ۸۰ ریال
خانوار ۲ نفره: ۱۱۰ میلیون و ۹۵۷ هزار و ۱۶۰ ریال
خانوار تک نفره: ۱۰۵ میلیون و ۵۵۷ هزار و ۱۶۰ ریال

حالا اگر هزینه تحصیل یک خانوار چهار نفره را بر اساس استانداردهای پاییز ۹۳ (جدول شماره ۴۹ بر درآمد خالص خانوار کارگری ۴ نفره) تقسیم کنیم، نسبت هزینه استاندارد تحصیل برای هر خانوار مثلاً در پایتخت، رقمی معادل ۵/۲ دهم درصد از هزینه‌ها را شامل می‌شود.

با توجه به مشخص شدن وضعیت سایر ستون‌های جدول، به بررسی قدرت واقعی سرانه خانوار کارگری برای مصارف و هزینه‌های تحصیلی می‌پردازیم.

تحلیل اطلاعات ارائه شده توسط مرکز آمار ایران نشان می‌دهد یک خانوار ۴ نفره کارگری در استان‌های مختلف کشور سالانه چقدر می‌تواند برای فرزندانش هزینه تحصیل بپردازد. بر اساس این جدول قدرت واقعی سرانه هر خانوار کارگری برای تامین هزینه‌های تحصیلی در سال، با توجه به میزان درآمد سالانه‌ای که دارد و سایر هزینه‌هایی که از این درآمد کسر می‌شود به دست آمده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، طبق داده‌های این جدول که بر اساس اطلاعات جدول شماره ۴۹ مرکز آمار ایران (بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران)، محاسبه شده، یک خانواره کارگری در چهارمحال و بختیاری با رقم ۳۶۸۲۰۲۰ ریال، بیشترین بودجه را برای تامین هزینه‌های تحصیلی در طول سال در اختیار دارد و کارگر اصفهانی با رقمی معادل ۱۶۳۶۴۵۳ ریال کمترین میزان بودجه را برای پرداخت هزینه‌های تحصیلی خانوار می‌تواند صرف کند.

ارقامی که اگر تقسیم بر ۱۲ ماه سال شوند می‌تواند نشان دهد که کارگران تا چه مبلغی می‌توانند ماهانه صرف هزینه‌های تحصیلی کنند.

بر اساس این داده‌های آماری، استان‌های خراسان شمالی، سمنان، کرمانشاه، گیلان و ایلام از جمله استان‌هایی هستند که در جدول پیش رو رقم بیشتری را به عنوان بودجه تحصیلی سالانه‌شان در اختیار دارند اما با نگاهی اجمالی می‌توان فاصله هزینه واقعی تحصیل یک خانواره ۴ نفره را از این ارقام رسمی دریافت.

شیوه محاسبه

در ستون دوم، سوم و چهارم این جدول، پس از نام استان‌ها، هزینه تحصیل یک خانوار ۴ نفره و همچنین نسبت هزینه تحصیل به کل هزینه خانوار در سال‌های ۹۲ و ۹۳ آمده است. این ارقام از جدول شماره ۴۹ مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند. در ستون پنجم جدول ایلنا نسبت هزینه استاندارد تحصیل به درآمد خالص خانوار کارگری محاسبه شده است. این رقم با در نظر گرفتن درآمد خالص خانوار کارگری که شیوه محاسبه آن در گزارش‌های دیگری که ایلنا با استناد به جدول شماره ۴۹ بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران منتشر کرده آمده است.

حداقل مزد روزانه یک کارگر برای سال جاری طبق بخشنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۲۰۲ هزار و ۹۷۰ ریال تعیین شده بود. با کسر ۷ درصد حق بیمه سهم کارگر از مزد روزانه به عدد ۱۸۸ هزار و ۷۶۲ ریال می‌رسیم.



تحصیل

قدرت واقعی سراجه خانوار کارگری برای هزینه تحصیل	نسبت هزینه استاندارد تحصیل به درآمد خالص خانوار کارگری	نسبت هزینه تحصیل به کل هزینه خانوار	هزینه تحصیل در خانوار (سالانه) - بایبیز 93	هزینه تحصیل خانوار (سالانه) - سال 92	
2591051	3.66	1.9	4997579	4467309	آذربایجان شرقی
2318309	3.28	1.7	4477134	4002086	آذربایجان غربی
2727422	4.16	2	5675771	5073542	اردبیل
1636453	3.14	1.2	4285090	3830419	اصفهان
2727422	4.4	2	5993295	5357375	البرز
3409278	6.53	2.5	8907182	7962083	ایلام
2181938	3.7	1.6	5046619	4511146	بوشهر
2181938	5.4	1.6	7370587	6588529	تهران
3682020	6.08	2.7	8285314	7406198	چهارمحال و بختیاری
2454680	4	1.8	5455473	4876618	خراسان جنوبی
1909195	2.44	1.4	3330141	2976795	خراسان رضوی
3136535	3.97	2.3	5417460	4842639	خراسان شمالی
2591051	4.3	1.9	5862673	5240612	خوزستان
2181938	2.86	1.6	3896927	3483442	زنجان
3545649	5.5	2.6	7496076	6700703	سمنان
2045567	2.24	1.5	3058713	2734167	سیستان و بلوچستان
2591051	4.6	1.9	6279040	5612801	فارس
2591051	4.45	1.9	6063210	5419871	قزوین
2045567	2.89	1.5	3941658	3523427	قم
2454680	3.45	1.8	4710205	4210427	کردستان
2591051	4.25	1.9	5793657	5178919	کرمان
1909195	2.44	1.4	3332203	2978639	کرمانشاه
3000164	6.91	2.2	9429865	8429306	کهگیلویه و بویراحمد
2863793	4.2	2.1	5730132	5122135	گلستان
3000164	4.81	2.2	6560010	5863958	گیلان
2318309	2.42	1.7	3304057	2953479	لرستان
2863793	4.32	2.1	5885027	5260594	مازندران
2591051	3.94	1.9	5366609	4797183	مرکزی
2591051	2.65	1.9	3615382	3231771	مرمزنگان
2727422	3.79	2	5164579	4616590	همدان
1909195	2.67	1.4	3638912	3252804	یزد



این موضع چیزی نیست جز رانت و عیدی سیاسی دولت به سرمایه‌داران تا با خیال راحت و خوشحال سال را به پایان برده و ایام تعطیلات را نیز با سر خوش سپری کنند.

درحالی که امسال خط فقر به روایت‌های مختلف از یک میلیون و دویست هزار تا دو میلیون و پانصد هزار تومان اعلام شده بخشنامه تکراری وزارت کار در پایان سال ۹۲ مدعی شد که در اجرای ماده‌ی ۴۱ قانون کار با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انطباق هر چه بیشتر میزان درآمد با سطح معیشت و هم چنین با توجه به مقتضیات بنگاه‌های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه حداقل ۶۱۲ هزار تومان را به اتفاق آرا مورد تصویب قرار داد.

اگر از متن همیشگی و ملال‌آور این ادعا بگذریم که همه ساله در ابتدای بخشنامه تعیین دستمزد دیده می‌شود، متحوی سیاست اقتصادی پشت پرده‌ی آن که دست‌پخت شورای عالی کار و نمایندگان سه جانبه‌ی آن (نه سه گروه دولت، کارفرمایان و کارگران، بلکه سه گروه دولت سرمایه‌داری، کارفرمایان و نمایندگان کارفرمایان در میان کارگران) می‌باشد چیزی جز فقیرتر کردن کارگران و حقوق‌بگیران نسبت به سال‌های قبل از آن نیست.

در این بخشنامه‌ها به ماده‌ی ۴۱ قانون کار اشاره می‌گردد اما به دو بند مطرح شده در آن توجهی نمی‌شود. این دو بند چیست؟

- ۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود تعیین می‌گردد.
- ۲- حداقل مزد با ید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده‌ی که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید.

بیشترین و کمترین سهم، کدام استان است؟

قدرت واقعی سرانه هرکارگر برای هزینه تحصیل، یعنی کل هزینه‌ای که یک کارگر می‌تواند برای تحصیل به صورت سالانه پرداخت کند (با توجه به دریافتی سالانه‌ای که دارد) به دست می‌آید.

برای محاسبه ستون آخر باید باید بین هزینه‌ای که یک خانواده کارگری برای تحصیل می‌پردازد و درآمد خانواده ۴ نفره کارگری با هزینه تحصیل به کل هزینه خانوار نسبت بگیریم و در نهایت رقم به دست آمده را تقسیم بر تعداد ماههای سال می‌کنیم و به این ترتیب هزینه تحصیل برای یک خانواده ۴ نفره کارگری در ماه به دست می‌آید.

بر این اساس یک کارگر در چهارمحال و بختیاری با رقم ۲۶۸۲۰۲۰ ریال، بیشترین بودجه را در هزینه‌های تحصیلی داراست و کارگر اصفهانی با رقمی معادل ۱۶۳۶۴۵۳ ریال کمترین میزان بودجه را برای پرداخت هزینه‌های تحصیلی خانوار در اختیار دارد.

ارقامی که اگر تقسیم بر ۱۲ ماه سال شوند می‌تواند نشان دهد که کارگران تا چه می‌توانند ماهانه صرف هزینه‌های تحصیلی کنند.

استان‌های خراسان شمال، سمنان، کرمانشاه، گیلان و ایلام هم از جمله استان‌هایی هستند که در این جدول رقم بیشتری را به عنوان بودجه تحصیلی سالانه‌شان در اختیار دارند اما با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که این ارقام قادر به تامین هزینه‌های تحصیل نیستند.

یادداشت

معمای تعیین حداقل دستمزد

و خط فقر

آزاده حسینی
کانون مدافعان حقوق کارگر

در روزهای پایانی سال گذشته با همان رویه ی تعیین حداقل دستمزدی روبرو شدیم که سال‌های پیش از آن شاهد بودیم. بخشنامه‌ای که به طورمسخره‌آمیزی از متنی مشابه بخش نامه‌های سال‌های قبل کپی‌برداری شده و دست اندرکاران آن فقط به خود زحمت دادند تا اعداد آن را کمی تغییر دهند. شعبده‌بازان شورای عالی کار و نمایندگان سه‌جانبه آن هر ساله در آخرین روزهای پایانی سال بخش‌نامه‌ی تعیین حداقل دستمزد را اعلام و ابلاغ می‌کنند.

این سیاست مزورانه در زمانی پیاده می‌شود که تقریباً همه‌ی مردم در حال تهیه و تدارک وسایل شب عید هستند و پس از آن تعطیلات روزهای عید را به دنبال دارد.



خود بزرگ‌ترین کارفرماست. مدیران بخش‌های دولتی گوی سبقت را از همکاران خود در بخش خصوصی ربوده‌اند.

این خوش‌نشینان معمولاً بی‌لیاقت، ناتوان از ارائه مدیریت علمی و عاجز از بهره‌برداری از امکانات و نیروی کار در موسسات زیر نظر خود که فقط در پرتو رانت سیاسی و انحصار دولتی به موقعیت‌های کنونی دست یافته‌اند، توسط نمایندگان همیشه حاضر خود در حکومت و لابی‌های بی‌شمارشان در بزنگاه‌های مربوط به تعیین حداقل دستمزد جزء بزرگ‌ترین موانع افزایش حداقل دستمزد کارگران و حقوق‌بگیران هستند.

کارگران که در قوانین کشوری، خصوصاً قانون کار در باره‌ی داشتن تشکیلات مستقل کارگری تقریباً از هر حمایتی محروم شده‌اند، باید در جبهه‌ی خود به این کاستی فائق شوند و تشکیلات گسترده و سراسری خود را برای صیانت از نیروی کار سامان دهند. هدف کارگران رسیدن به یک دنیای انسانی‌تر برای خود و مردم است.

اگر به بند یک توجه کنیم درمی‌یابیم که سال‌هاست حقوق کارگران بر اساس تورم واقعی که هیچ‌چیز بر اساس تورم اعلام شده توسط مراجع دولتی نیز افزایش نیافته و از این بابت کارگران مطالبات معوقه‌ی بسیاری از کارفرمایان طلبکارند و باید آن را بازستانند.

اما جالب‌تر، بند ۲ ماده‌ی ۴۱ قانون کار است که شعبده‌بازان شورای عالی کار و نمایندگان سه‌جانبه‌ی آن اصلاً چشم‌شان را به روی آن بسته‌اند و یک بار از خود سوال نکرده‌اند چگونه یک خانواده با تعداد متوسط می‌تواند با ماهی ششصد هزار تومان زندگی کند. (دست بر قضا همین مراجع رسمی متوسط خانواده را ۴ یا ۵ نفر اعلام کرده‌اند).

معمای تعیین حداقل دستمزد در همین جا سر بیرون می‌آورد زیرا خط فقر اعلام شده ۲ تا ۴ برابر آن اعلام شده است و شعبده‌بازی شورای عالی کار و مباحثران آن نیز از همین جا ناشی می‌شود زیرا هم مصالح کارگران را در نظر گرفته و هم مقتضیات بنگاه‌های تولیدی کارفرمایان را و هم شرایط اقتصادی جامعه را و با یک ضرب همه‌ی مسایل را حل کرده و با یک دست چند هندوانه را برداشته است.

اما واقعیت چیست؟

در حالی که بسیاری از کارفرمایان محترم بخش اعظم سرمایه خود را از طریق دریافت اعتبارات بانکی به دست آورده و به کار انداخته‌اند و به یمن قوانین سرمایه، قسمتی از دارایی‌های خود را به خارج منتقل کرده و بخش دیگر را در داخل در اشکال مختلف، ثروت‌اندوزی می‌کنند و دست بر قضا هیچ‌باکی هم از عدم پرداخت و تسویه وام‌های بانکی خود ندارند، وام‌هایی که سپرده‌ی عموم مردم است، در همان حال چنانچه کارگران دست به اعتصاب و اعتراض بزنند با پلیس و زندان سر و کار خواهند داشت و باز هم دست بر قضا این تشکیلات هم دستگاه‌هایی هستند که با بودجه‌ی عمومی دولت تامین می‌شوند.

اکنون می‌توان فهمید که دیگر معمایی در کار نیست که چرا دیوار دولت همیشه به طرف کارفرمایان غش می‌کند. دولت با شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی بسیاری که دارد، خود بزرگ‌ترین کارفرماست. مدیران بخش‌های دولتی گوی سبقت را از همکاران خود در بخش خصوصی ربوده‌اند.

اکنون می‌توان فهمید که دیگر معمایی در کار نیست که چرا دیوار دولت همیشه به طرف کارفرمایان غش می‌کند.

دولت با شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی بسیاری که دارد،